



• مقدمه: تندیس اخلاق و فقا‌هت

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين المعصومين.

مقام و منزلت علمی و معنوی فقیه عالی قدر، آیت‌الله‌العظمی حاج آقا موسی شبیری زنجانی رحمته‌الله‌علیه ارفع از آن است که طلبه‌ای ناچیز چون بنده در مقام توصیف آن برآید؛ اما بر حسب وظیفه و به‌منظور ثبت در تاریخ حوزه‌های علمیه، شایسته است نکاتی از سال‌ها مراده، انس علمی و خاطرات هم‌نشینی با این استوانه کم‌نظیر بازگو شود؛ شخصیتی که جمع میان «دقت خارق العاده علمی» و «سلامت نفس و زهد باطنی» را در حد اعلا متجلی ساخت.

۱. نخستین دیدار در مسجد گوهرشاد؛ ترجیح دیگران و نفی انانیت

نخستین دیدار بنده با ایشان به حدود شش یا هفت ماه پس از ارتحال آیت‌الله‌العظمی اراکی رحمته‌الله‌علیه بازمی‌گردد. در آن برهه، مراجع ذی صلاح فهرستی از افراد واجد صلاحیت مرجعیت را منتشر کرده بودند و میان طلاب در مدارس بحث‌های پرشوری پیرامون تشخیص «اعلم» جریان داشت. بنده آن زمان طلبه‌ای جوان در مشهد مقدس بودم و با دوستان در مسجد گوهرشاد مباحثه می‌کردیم؛ روزگاری که هنوز فضای مجازی و اینترنت نبود تا چهره و صوت افراد به‌سادگی در دسترس باشد.

روزی در مسجد گوهرشاد، در حین مباحثه پیرامون اینکه از میان اعلام مطرح‌شده اعلم کیست، سیدی کوتاه‌قامت، با سیمایی بی‌نهایت نورانی، آرام و معنوی از مقابل ما گذشت و عازم حرم مطهر شد. به هم بحث خود گفتیم: سیمای این بزرگوار بسیار روحانی و گیراست؛ برویم و از خود ایشان سؤال کنیم، اعلم کیست. همراه ایشان شدم و در مسیر تشرّف به حرم مطهر از ایشان پرسیدم: آقا! به نظر شما بین فضایی که نامشان مطرح شده، چه کسی اعلم است؟

ایشان پس از مکثی کوتاه و متاملانه، با کمال طمأنینه فرمودند: «آقای بهجت؛ آلا در باب حج که در حج من [اعلم هستم].» آن روز من ایشان را نمی‌شناختم و سخن‌شان را به‌حساب ادعایی گذرا گذاشتم؛ اما آرامش چهره و وقار نگاهشان در خاطرم ثبت شد. ماه‌ها بعد که برای زیارت به قم مشرف شدم، در حرم مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام دیدم همان سید بزرگوار اقامه جماعت می‌کنند؛ پرس‌وجو کردم و گفتند: ایشان «آیت‌الله‌العظمی حاج آقا موسی شبیری زنجانی» از مراجع معرفی‌شده هستند!

مرجع سلیم‌النفس و سرآمد در علم رجال

روایتی از مشی علمی فروتنی اخلاقی و مکتب رجالی آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی رحمته‌الله‌علیه

حجت‌الاسلام والمسلمین میرزاعلی سلیمانی بروجردی مدرس حوزه علمیه و پژوهشگر تاریخ و تراجم

این صحنه در تمام طول طلبگی برای من درسی فراموش‌نشدنی شد: فقیه‌ی که نامش رسماً در زمره مراجع تقلید مطرح است، به طلبه‌ای ناشناس و در معبری عمومی، به‌صراحت فقیه دیگری را مقدم معرفی می‌کند و خود را کنار می‌نهد. این رفتار نشانگر طهارت درون، تقوای علمی و رهایی کامل از تعلقات جاه و مقام بود. این ترجیح آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه بر خودشان، در خاطرات دیگران نیز آمده است.

• ۲. شجاعت در گفتن «نمی‌دانم» و صداقت محض علمی

یکی از بارزترین فضائل اخلاقی آیت‌الله شبیری زنجانی رحمته‌الله‌علیه، صداقت کم‌نظیر در اظهارنظر و سلامت نفس در مواجهه با استفتانات فقهی بود. سال‌ها پیش که کتاب «صلاة الغدير» (پیرامون ادله فقهی جواز اقامه جماعت در نماز عید غدیر) را تألیف می‌کردم، استفتائی برای مراجع وقت فرستادم تا دیدگاه‌های فقهی آنان را در پایان اثر بیاورم. همه آقایان پاسخ دادند؛ یا در نفی یا در اثبات؛ اما از دو بزرگوار پاسخی دریافت نشد که یکی از آنها آیت‌الله شبیری زنجانی بود. دو سه‌بار استفتاء را تجدید کردم؛ اما جوابی نرسید.

یک روز پس از نماز صبح، در مسیر بازگشت معظم‌له از زیارت مضجع شریف کریمه اهل بیت علیهم‌السلام، عرض کردم: «آقا، بنده مسئله نماز عید غدیر را چند نوبت استفتاء کردم؛ ولی پاسخی نفرومید.» تا سخن به اینجا رسید، ایستادن و فرمودند: «بله، استفتای شما را دیدم.» عرض کردم: «نظر فقهی حضرت‌عالی چیست؟» ایشان با نهایت ژلالی و بدون کوچک‌ترین تکلف یا غل‌وغشی فرمودند: «من در این موضوع تحقیق نکرده‌ام.» عرض کردم: «ما نظر جناب‌عالی را جویا هستیم.» فرمودند: «اکنون فرصت تحقیق در این مسئله را ندارم؛ به مراجع دیگر رجوع کنید.»

بسیاری از اهل علم را دیده‌ایم که ابراز «نمی‌دانم» یا «تحقیق نکرده‌ام» برایشان گران می‌آید؛ اما سلامت نفس و صداقت علمی ایشان چنان بود که هرگز فراتر از مرزهای تتبع متیقن خود سخنی بر زبان جاری نمی‌ساختند.

• ۳. سعه‌صدر در پذیرش نقد و سنت امانت‌داری اسناد

زمانی که سه جلد نخست کتاب شریف «جرع‌ای از دریا» منتشر شده بود، از آن‌جا که حوزه تخصصی و قلمی بنده بررسی تراجم و علمای خطه لرستان است، مباحث مربوط به اعلام این خطه را با دقت مطالعه کردم. حدود پنج یا شش صفحه حواشی انتقادی، شامل تصحیح پاره‌ای از تاریخ‌ها، ضبط دقیق‌تر برخی اسامی و انطباق اعلام، تدوین نمود و در یکی از گعده‌های علمی شبانه، تقدیم ایشان کردم و گفتم: این بخش‌ها نیازمند ویرایش است.

ایشان با گشاده‌رویی اوراق را دریافت کردند و تشکر نمودند. دو هفته بعد، مجدداً بنده را مورد تقدد قرار داد، از بابت تذکرات علمی تشکر کردند و فرمودند: «خواست‌ای ندارید؟» عرض کردم: «اگر لطف فرموده و اجازه روایتی مرحمت بفرمایید، مایه امتنان است.» معظم‌له با بزرگواری پذیرفتند و چند روز بعد، متن اجازه‌ای را به خط مبارک خود تنظیم و اهدا فرمودند. رفتار ایشان با یک طلبه نقاد، درس تواضع و نقد‌پذیری برای تمام محیط‌های علمی است.

• ۴. دو ویژگی برجسته در سلوک مرجعیت

در میان ویژگی‌های متعدد رفتاری این فقیه بزرگوار، دو صفت درخشش ویژه‌ای دارد: **الف) مرجع در دسترس:** در میان مراجع عظام تقلید در دهه‌های اخیر، ایشان الگویی کم‌نظیر در سادگی مراودات و پرهیز از تکلف بودند. ارتباط با ایشان در پیچ‌وخم تشریفات دفاتر گرفتار نمی‌شد؛ بارها برای طلاب و محققان پیش می‌آمد که برای حل نکته‌ای علمی یا مشاهده نسخه‌ای خطی، در منزل ایشان را می‌زدند و خود معظم‌له در را می‌گشودند و پاسخ می‌دادند. حتی تلفن شخصی ایشان در دسترس اهل علم بود؛ سلوکی بی‌تکلف که میراث گران‌سنگ علمای سلف به‌شمار می‌رفت و حوزه‌های

معاصر بیش از همیشه محتاج بازخوانی آن هستند. این سادگی و دسترس‌پذیری، نه‌تنها درسی برای طلاب و پژوهشگران، بلکه الگویی والا و کم‌نظیر برای صاحب‌منصبان فضا و مراجع عظام تقلید است.

ب) احیای سنت اصیل «گعده‌های علمی»: سنت مبارک هم‌نشینی و مباحثه آزاد میان استاد و شاگردان (گعده علمی)، که در سیره قدمای حوزه جایگاهی ویژه داشت، توسط ایشان زنده نگاه داشته شد. ساعتی از شب به تبادل نظر، نقل لطایف تاریخی، فقهی و رجالی اختصاص داشت؛ محفلی بالنده که معظم‌له تا واپسین سال‌ها که توان جسمی و فکری‌شان اقتضا می‌کرد، آن را ترک نگفتند.

• ۵. مکتب رجالی؛ تعالی و پختگی میراث آیت‌الله بروجردی

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌شیخ ناصرالدین انصاری قمی نقل می‌کردند که از حضرت آیت‌الله سبحانی درباره جایگاه رجالی آیت‌الله شبیری پرسیده بودند و ایشان پاسخ داده بودند: «آقای شبیری در رجال، اعلم از آقای بروجردی است.» گرچه خود معظم‌له با شنیدن این مطلب، با نهایت فروتنی آن را ناشی از لطف گوینده دانستند؛ اما در ترازوی تحلیل علمی، این سخن گراف نیست.

علم رجال به‌شیوه اجتهادی و ساختارمند امروز، مرهون تأسیس آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمته‌الله‌علیه و بازشناسی «طبقات‌الرجال» است. در همان دوران، علامه شیخ محمدتقی شوشتری (صاحب قاموس‌الرجال) نیز حرکتی عظیم و مبتکرانه آغاز کرد؛ هرچند کار علامه فردی و متمرکز در گوشه انزوا و کتابخانه بود، اما به‌تعبیر خود آیت‌الله شبیری، اثری مؤسس، سرشار از وسعت اطلاع، کشف تصحیفات و گره‌گشایی‌های شگفت از متون تاریخی و ادبی بود؛ به‌طوری که معظم‌له می‌فرمودند: در حواشی تفصیلی‌شان بر رجال شیخ، هر جا کلامی از صاحب قاموس در میان بوده، مباحثه جان می‌گرفته و گرم می‌شده است.

با این حال، امتیاز بی‌بدیل آیت‌الله شبیری زنجانی آن بود که مبانی رجالی آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله‌علیه و تراث رجالیون دیگر را بر کرسی تدریس عرضه کردند، در بوته نقد و مباحثه، چنده‌ساله صیقل دادند و به اوج پختگی و نظام‌مندی رساندند.

• ۶. اساتید و چهره‌های اثرگذار

در منظومه فکری ایشان، چند شخصیت حضوری پررنگ داشتند:

۱. **والد ماجدشان، آیت‌الله حاج سیداحمد زنجانی رحمته‌الله‌علیه:** که همواره با تجلیل

فراوان از التزام به مبانی اخلاقی و فقهی ایشان سخن می‌گفتند.

۲. **آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد محقق داماد رحمته‌الله‌علیه:** که نفوذ فوق‌العاده‌ای در

مشرّب فقهی ایشان داشت. در جلسات کمتر پیش می‌آمد که فرعی از فروع یا مبنایی‌شاذ از مرحوم محقق داماد نقل و بررسی نشود.

۳. **آیت‌الله‌العظمی شیخ مرتضی حائری رحمته‌الله‌علیه:** که تأثیر عمیقی بر روش علمی و

سلوک اخلاقی ایشان برجای گذاشت.

همچنین در میان معاصران، ارادت و توجهی ویژه به مرحوم علامه شوشتری داشتند. انتشار اثر گران‌سنگ «قاموس‌الرجال» برای نخستین‌بار، مرهون هوشمندی آیت‌الله شبیری زنجانی بود. ماجرای آشنایی ایشان نیز از لطایف روزگار است؛ در اواخر دهه سی شمسی، روزی آیت‌الله شبیری رحمته‌الله‌علیه در صحن مطهر قم، از آیت‌الله آقا سیدحسین جزایری رحمته‌الله‌علیه از اعلام خاندان جزایری سراغ دانشمندی مسلط بر رجال را می‌گیرند و ایشان شیخ محمدتقی شوشتری را معرفی می‌کند. ساعتی بعد، به‌طور معجزه‌آسا و تصادفی، مرحوم شوشتری در همان ایوان آینه حرم دیده می‌شود و نخستین پیوند علمی شکل می‌گیرد.

علامه شوشتری دست‌نویس‌های «قاموس‌الرجال» را برای ایشان می‌فرستند تا اگر صلاح بدانند، برای چاپ به محضر آیت‌الله‌العظمی بروجردی تقدیم کنند؛ اما آیت‌الله شبیری با فراست درمی‌یابند که نسخه دو مانع اساسی برای عرضه به آقای بروجردی دارد: یکی خط بسیار دشوار و ناخوانای مؤلف و دیگری تعبیرتند و لحن صریح شیخ در نقد اعلام که با سلیقه و اسلوب ملایم آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمته‌الله‌علیه ناسازگار بود؛ از این‌رو با مدیریت و اهتمام ایشان و پیگیری‌های علمی، زمینه استنساخ و نشر این شاهکار رجالی در مجامع علمی فراهم گردید.

• ۷. کرامت در امانت‌سپاری میراث کهن

آخرین نکته‌ای که حیف است بازگو نشود، فقدان هرگونه بخل علمی در سیره ایشان بود. بسیاری از صاحبان کتابخانه‌ها نسبت به نسخ خطی و کتب چاپ‌سنگی نادر امساک می‌ورزند؛ اما آیت‌الله شبیری هرگز چنین منشی نداشتند. بارها مشاهده شد که طلاب و محققان حتی ناشناس به محضرشان مراجعه می‌کردند و تقاضای نسخه‌ای خطی و نایاب داشتند؛ ایشان بدون سخت‌گیری و بی‌آنکه شخص را در پیچ‌وخم وثیقه‌ها گرفتار کنند، اصل نسخه را در اختیار پژوهشگر می‌گذاشتند و می‌فرمودند: «محقق می‌خواهد استفاده علمی کند؛ اگر ما نسخه را به او ندهیم، پس از کجا به دست آورد؟

حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی رحمته‌الله‌علیه مصادق بارز جمع میان سنت کهن فقا‌هت، انصاف ستودنی در پژوهش و بی‌پیرایگی در زیست مؤمنانه بود؛ عاش سعاداً و مات سعاداً. امید است حوزه‌های علمیه امروز، مشی و منش علمی، فروتنی کم‌نظیر و وارستگی باطنی این فقیه عالی‌مقام را الگوی راستین خویش قرار دهند و خداوند متعال روح پرتوچخ ایشان را با ائمه هدی و اجداد طاهرين شان علیهم‌السلام محشور فرماید.

گفت‌وگو و تنظیم: حمید کرمی

چگونگی تدوین جرع‌ای از دریا

ادامه از صفحه ۱۰

اینکه تا فردا فرصت داشتیم، کاشف از این بود که مثل مسائل روزهای پیشین، دشوار و برای ما غیرقابل حل بود. وقتی به منزل ایشان رسیدیم، با ایشان خداحافظی کردیم و ایشان به داخل منزل تشریف برد. حاج‌آقای طاهری ـ که از شاگردان و همسایه ایشان بود ـ نیز به منزل خودشان رفت. من نیز به‌همراه آقای قویدل ـ که از شاگردان ایشان بود و در آن زمان در مجاور مدرسه حقانی منزل داشت ـ به سمت مدرسه حقانی راه افتادیم. در میان راه بودیم که ناگهان متوجه شدیم، آیت‌الله شبیری زنجانی از پشت

و اما یک پیشنهاد

• اخیراً پس از رحلت آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی در مجلسی رسمی مُهر ایشان شکسته شد. به نظر می‌رسد در عصر دیجیتال شکستن مهر کاری ستوده نباشد. در قدیم مخدوش‌کردن مُهر وجهی داشت و امکان سوء استفاده از آن را از بین می‌برد؛ ولی امروز اساساً مُهر موضوعیتی ندارد و با تکنولوژی‌های جدید از جمله هوش مصنوعی به‌راحتی تصویر مُهر با تمام جزئیات، قابل جعل است و مخدوش‌کردن مُهر هیچ فایده‌ای جز از بین‌بردن یک سرمایه معنوی و خاتم متبرک یک عالم بزرگ ندارد. به نظر می‌رسد کار صواب در چنین مواردی این باشد که خاتم مرجع در کنار عمامه و عصا و البسه متبرک آن مرجع، در مراسمی رسمی به موزه‌ای نظیر موزه آستان قدس یا حرم حضرت معصومه علیها‌السلام منتقل و به‌عنوان میراث معنوی جهان اسلام نگهداری شود.

